

نظارت فناورانه در پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی و چالش‌های آن با حریم خصوصی اطلاعاتی

سیدمیثم عظیمی* و علی غلامی**

| | |
|-----------------------|-----------------------|
| تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۵/۴ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۳ |
|-----------------------|-----------------------|

به کارگیری سامانه‌های یکپارچه اطلاعات مالی و اقتصادی به‌عنوان راهکار نظارت فناورانه می‌تواند نقش قابل توجهی در پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی ایفا کند. مهمترین چالش بهره‌گیری از این رهیافت تقابل و تزامم احتمالی با حوزه حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد مطالعات اسنادی درصدد واکاوی چالش مزبور می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اعمال تدابیر پیشگیرانه وضعی در قبال جرائم اقتصادی، چنانچه با رعایت جنبه‌های فنی و امنیتی باشد تنافی و تقابلی را میان سازوکارهای نظارت فناورانه در حوزه پیشگیری از جرائم اقتصادی با ساحت حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص به وجود نمی‌آورد. در این نوشتار ضمن تبیین نقش و جایگاه نظارت فناورانه در کنترل بزه اقتصادی به بررسی چگونگی رخداد تقابل احتمالی میان این شیوه پیشگیری از جرائم اقتصادی با حوزه حریم خصوصی اطلاعاتی شهروندان پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: نظارت فناورانه؛ پیشگیری وضعی؛ جرائم اقتصادی؛ حریم خصوصی اطلاعاتی

* دانشجوی دکتری حقوق جزا، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)؛

Email: amaysam@gmail.com

** دانشیار دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)؛

Email: a.gholami.isu.ac.ir@yahoo.com

مقدمه

جامعه بشری در سده اخیر در مقایسه با دوران پیش از این با افزایش روزافزون نرخ آمار مفاسد و جرائم اقتصادی مواجه بوده است. سیاست‌های کیفی اعمال شده نیز نتوانسته از نگرانی‌های مربوط به این امر بکاهد. در دهه ۱۹۹۰ با پایان جنگ سرد، پدیده‌ای ظهور کرد که برخی دانش‌پژوهان نام آن را «فوران فساد» گذاشتند (Galtung, 2001: 191). همین امر سیاست‌گذاران جنایی را در تکاپوی جستجوی مدلی کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر برای کاهش رخدادهای مجرمانه اقتصادی وادار کرده است. امروزه تدابیر پیشگیرنده غیرقهرآمیز به‌عنوان رهیافت نوین سیاست جنایی معاصر در جهت مهار و کنترل این قبیل جرائم، تحولات و تجربه‌های مختلفی را سپری کرده است. سیر تکامل نظام پیشگیری غیرقهرآمیز با پیشرفت دانش فناوریانه به سطح چشمگیری رسیده است. ناامنی‌های ناشی از گسترش و شیوع رخدادهای اقتصادی تمایل بیش‌ازپیش حاکمیت‌ها را در اولویت‌بخشی به تدابیر پیشگیرانه و به‌ویژه تدابیر پیشگیرانه فناوری محور افزون ساخته است.

همزمان با گسترش شیوه‌ها و گونه‌های مختلف پیشگیری از جرم به‌ویژه به کارگیری ابزار فناوریانه در کنترل جرم، نگرانی‌ها و دغدغه‌های فراوانی را در خصوص تداخل سیاست‌های مزبور با حوزه حریم خصوصی اشخاص به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حقوق بشری برانگیخته است. این نگرانی‌ها با پیدایش کاربردهای نوین فناوری شکل جدی‌تری به خود گرفته است؛ حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که در مواجهه و کشاکش میان این حوزه پیشگیری از جرائم اقتصادی با مقوله حریم خصوصی، آیا می‌توان مطلقاً به نفع حریم خصوصی حکم داد یا در نقطه مقابل چنانچه برخی گفته‌اند باید قائل به مرگ حریم خصوصی در عصر حاضر شد و از این رو اقدامات و سیاست‌های پیشگیرانه را ولو اینکه به نقض حریم خصوصی منجر شود موجه و قابل دفاع دانست.

آنچه بر اهمیت و پیچیدگی موضوع می‌افزاید مفهوم سیال گونه و شناوروار «حریم خصوصی» است که به دلیل اقتضانات متنوع فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی مختص به هر جامعه، متولیان امر را برای تعیین حدود و ثغور واقعی این گزاره با محدودیت و مشکل مواجه کرده است.

در مقام پی‌جویی این سؤال لازم است در دو قسمت ابتدا به تبیین ابعاد پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی و سپس در قسمت دوم این نوشتار به بررسی چالش‌های این نوع پیشگیری در قبال جرائم اقتصادی و چگونگی رخدادهای تقابلی میان نظارت فناورانه به‌عنوان یکی از تدابیر پیشگیری وضعی با ساحت حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص پردازیم. ذکر این نکته ضروری است که از میان ساحات مختلف حریم خصوصی و جلوه‌های متعدد این حق، علی‌القاعده حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص آسیب‌پذیرترین ساحت حریم خصوصی در مواجهه با نظارت اطلاعاتی به‌شمار می‌رود.

۱. پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی

مشکل بودن کشف جرائم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع برای کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرائم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر، از دلایل مهم افزایش تلاش‌های پیشگیرانه است (The Swedish National Council for Crime Prevention, 2004: 28). شیوه‌های کنترل جرم اقتصادی به معیارهای مورد اولویت کنشگران مانند منطق عدالت گسترده، منطق اقتصادی و منطق تبلیغاتی بستگی دارد که گاهی می‌توان آنها را با یکدیگر جمع کرد. لذا راهبردهای پیشگیری از این نوع جرائم به لحاظ منطقی متوقف بر نوع تعریف و توضیح‌های مختلف مربوط به این نوع جرم است. به نظر می‌رسد که به کارگیری شیوه‌های پیشگیرانه وضعی آسان‌تر و مؤثرتر باشد (لوک بچر و کلوز، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیسی، پیشگیری وضعی از جرم را به‌عنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌داند. این اقدامات معطوف به اشکال خاص از جرائم بوده و از طریق مدیریت یا مداخله در محیط، بلاواسطه به شیوه‌ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصت‌های جرم یا افزایش خطرات جرم می‌شود که همواره مدنظر تعداد بسیاری از مجرمان بوده است (رزنیام، لوریسیو و داویس، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

توجه به رویکردهای پیشگیری وضعی، به علت شکست یا موفقیت‌های محدود رویکردهای اصلاحی در دهه هفتاد میلادی بوده است (گسن، ۱۳۷۶: ۱۳). پیشگیری

وضعی مدعی رهیافتی روش شناختی است که فارغ از ویژگی‌های فردی و روانشناختی، به مطالعه پیرامون جرم می‌پردازد (سیو، ۱۳۸۸: ۱۹۱). فرضیات پیشگیری وضعی در مورد وقوع جرم از قرار زیر است:

(الف) هر شخصی ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند.

(ب) این انتخاب‌ها ممکن است تحت تأثیر وراثت یا زمینه شخصی باشد، اما به هر حال انتخاب جرم نتیجه مستقیم فرصت و سنجش وضعی هزینه‌ها و منافع ارتکاب جرم است.

(ج) هیچ‌کس از وسوسه به ارتکاب جرم در امان نیست؛ زیرا ضعف انسانی گسترده است و به‌هیچ‌یک از بخش‌های جامعه محدود نمی‌شود.

(د) در ارزیابی هزینه‌های جرم، اشخاص به خطر دستگیری، بیشتر از شدت مجازات توجه می‌کنند.

(ه) سرزنش و مجازات (اگرچه اغلب ضروری است) روش‌های کارآمدی برای هدایت افراد به سمت انتخاب‌های غیرمجرمانه نیست.

(و) تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی ارتکاب جرم آسان‌تر از مبارزه با نقطه‌ضعف‌های بنیادی بشری است.

(ز) فرصت‌های آسان، جرم بیشتری را دامن می‌زند و فرصت‌های کاهش یافته به جرم کمتر منجر می‌شود (Felson and Clarke, 1997: 200).

بنابراین پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار از جرائم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمان بالقوه را متقاعد می‌کند که «هزینه» ارتکاب جرم بیش از حد توان آنهاست. مسئله دیگری که اولویت‌بخشی به اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی را نمایان می‌سازد توجه به این نکته است که «حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرائم اقتصادی و از جمله ارتشا، از طریق سیستم‌های پولی و بانکی به جریان می‌افتد. لذا نظارت و کنترل مؤسسات مربوطه می‌تواند یکی از عوامل و روش‌های مهم پیشگیری محسوب گردد» (شمس ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

در ادامه این نوشتار ضمن مروری بر مفهوم جرائم اقتصادی، آثار و تبعات این‌گونه جرائم به تبیین سازوکار نظارت فناورانه در پیشگیری از جرائم اقتصادی به‌عنوان یکی از

تدابیر پیشگیری وضعی و همچنین ضرورت ایجاد سامانه‌های یکپارچه اطلاعات مالی و اقتصادی به‌عنوان مقدمه ضروری نظارت فناوریانه پیردازیم.

۱-۱. مفهوم‌شناسی فساد اقتصادی و جرائم اقتصادی از منظر حقوقی

کلمه فساد از ریشه فرانسوی (Corruption) و ریشه لاتینی (Rumpere) به معنای «شکستن» یا «نقض کردن» گرفته شده است. آنچه که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند یک «شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری» باشد. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: «تباهی»، «ستم»، «مال کسی را گرفتن»، «گزند»، «زیان»، «ظلم و ستم»، «شرارت» و «بدکاری» ذکر شده است (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۶۵) فساد به سوءاستفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی خواه سیاستمداران و خواه مستخدمان کشور است که در آن به‌طور نادرست و غیرقانونی با سوءاستفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها، خود و نزدیکان‌شان را غنی می‌سازند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۷). در فساد چیزی مثل رفتار اخلاقی، شیوه قانونی و مقررات اداری نقض می‌شود که این انحراف می‌تواند به همراه پاداش نامشروعی باشد که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص می‌یابد. فساد، مجموعه رفتارهایی است که فرد از وظایف رسمی به خاطر کسب منافع شخصی یا کسب موقعیت خاص، دچار تخطی و انحراف می‌شود تا تلاشی برای کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی، تحصیل منافع خصوصی به بهای از دست رفتن منافع عمومی یا استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی باشد (Shaukat, 2004: 25). به عقیده برخی حداقل از سال ۱۹۳۱ میلادی، اصطلاح فساد غالباً در معنای «سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منفعت خصوصی» به کار رفته است (Clark, 1983). برخی دیگر نیز فساد را یک عمل یا اقدام منفی دربردارنده انگیزه‌های فردی یا گروهی دانسته که منشأ آن منافع مادی یا غیرمادی است (محمدنبی، ۱۳۸۰: ۳۲).

بااین حال همچنان در مفهوم مفسده اقتصادی اجماعی وجود ندارد، به گونه‌ای که برخی مدعی شده‌اند متخصصان فن هرگز در این خصوص به یک تعریف واحد دست

نخواهند یافت، اگرچه می‌توان به ذکر مصادیقی پرداخت که دیگران هم با آن موافق باشند (تانزی، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

دشواری ارائه تعریف از این مفهوم به دلیل شمول آن بر قلمروهای مختلفی مانند حقوق کیفری کسب و کار، مالیات، حمایت از مصرف‌کننده، محیط زیست، بازار کار و ... است. اما در هر صورت از لحاظ منطقی برای حمایت از ارزش‌های مورد اشاره و نیز مبارزه مؤثر با این پدیده، ارائه یک تعریف اجتناب‌ناپذیر است که البته ممکن است در قالب تعریف مصداقی انجام گیرد.

از منظر حقوق داخلی نیز با وجود دخالت مراجع مختلف در حوزه قانونگذاری در مقابله با مفساد اقتصادی هنوز تعریفی از این جرائم در نظام تقنینی ما وجود ندارد و به علت فقدان تعریف مفساد اقتصادی، برداشت‌ها و معانی گوناگونی از این مقوله می‌شود که در نهایت به عدم شفافیت که یکی از اساسی‌ترین چالش‌های سیاست کیفری ایران در قبال این جرائم است منجر شده است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴).

البته در ادبیات حقوقی کشور، عمدتاً اصطلاحاتی با عنوان «جرائم مالی و اقتصادی» یا «جرائم اقتصادی» رایج است که توسط حقوق‌دانان کیفری از عباراتی مانند White Colore Crimes یا Corroption به فارسی برگردانده شده است. اما بین حقوق‌دانان داخل کشور نیز اتفاق نظری در خصوص چستی این نوع جرائم وجود ندارد. از این رو مقنن در آخرین اقدام تقنینی خود در قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) با رویکرد تعریف به مصداق سعی کرده است خلأ حقوقی موجود در خصوص با قلمرو جرائم اقتصادی را مرتفع سازد.

درواقع تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) عناوین مجرمانه متعددی می‌توانستند از مصادیق جرائم اقتصادی به‌شمار آیند؛ لیکن قانونگذار در بند «۲» ماده (۱۰۹) قانون مجازات اسلامی به‌طور غیرمستقیم و در مقام بیان جرائم مستثنا از مرور زمان، جرائم مندرج در تبصره ماده (۳۶) را از مصادیق جرائم اقتصادی دانسته است؛ اگرچه توجه به این امر و مشخص کردن مصادیق، خود به تنهایی امری حائز اهمیت و درخور تحسین است؛ اما با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت شفافیت آن برای کلیه نهادها و افراد جامعه، شایسته بود مقنن در خصوص این موضوع حساس و مهمی به جای ارجاع در قالب بند ذیل ماده‌ای

به تبصره ماده دیگر با صراحت و شفافیت به تعیین مصادیق جرائم اقتصادی می‌پرداخت. در هر صورت با عنایت به احصای مصادیق جرائم اقتصادی در قانون مزبور، در این نوشتار نیز به جای استفاده از واژه مفسد اقتصادی که حدود و ثغور آن به روشنی در نظام حقوقی مشخص نشده است از اصطلاح جرائم اقتصادی استفاده شده است.

۲-۱. کارایی‌سنجی نظارت فناوریانه در قبال جرائم اقتصادی

در طبقه‌بندی جرائم به اعتبار درجه اهمیت و میزان خطرناکی، جرائم اقتصادی از رتبه بالا و انحصاری برخوردارند. این رتبه از دو جهت بیشتر شاخص است: اول، از جهت موضوع که عبارت است از پول، ثروت و قدرت مالی؛ دوم، از حیث مرتکبان این جرائم؛ زیرا مجرمان اقتصادی دارای خصیصه‌های جرم‌شناختی ویژه‌ای هستند که آنان را از دیگر انواع بزهکاران متمایز می‌سازد. ویژگی که کار مدیریت پیشگیری و مبارزه با این گونه مجرمان را بسیار دشوار می‌سازد (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). گارلند معتقد است اهمیت کنونی مدیریت‌گرایی می‌تواند از رهگذر پویایی و توسعه سازمانی عدالت کیفری و امکانات جدید کنترل که فناوری‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای فراهم کرده‌اند بهتر درک و تبیین شود (ماری، ۱۳۸۳: ۳۵۳).

امروزه در کنار کنشگران انسانی یعنی مأموران پلیس، نگهبانان، سرایداران و فروشندگان فروشگاه‌های زنجیره‌ای، فناوری نوین هم در قالب سیستم‌های هشداردهنده خطر، سیستم‌های نظارت و مراقبت تلویزیونی، دوربین‌های نظارتی و سیستم‌های کنترل ورودی‌ها با کارت‌های مغناطیسی به کمک پیشگیری آمده و به آن جنبه فنی بخشیده است (کوسن، ۱۳۸۴: ۳۲۳).

ارتباط وثیق و وسیع جرائم اقتصادی با شبکه‌های اطلاعاتی مالی و اقتصادی در نهادهای مختلف همچون بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری که انبوهی از داده‌های مالی و اقتصادی را در خود جای دارند موضوع نظارت و مراقبت بر شبکه‌های اطلاعاتی مزبور را ضروری می‌کند.

با بهره‌گیری از روش نظارت فناوریانه به بزهکاران اقتصادی بالقوه اعلام می‌شود که در

صورت تبدیل اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه، مشاهده، ردیابی، کنترل و دستگیر خواهند شد. به عبارت دیگر در این روش، با اعمال نظارت بر برخی رفتارها و ایجاد رؤیت‌پذیری و ردیابی رفتارهای مالی و اقتصادی مشکوک به کمک ابزار مجهز به فناوری اطلاعات (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۰: ۹۱) افراد دارای تمایلات مجرمانه، احساس خطر نسبت به شناسایی و شرمساری را درک کرده و تمایل به ارتکاب جرم در آنها کاهش می‌یابد. توصیه به نظارت فناورانه بر این استدلال استوار است که چنانچه افراد بدانند اقدامات ایشان در معرض نظارت قدرتهایی است که از کنترل آنها خارج است؛ به صورت متفاوت و البته مسئولانه‌تری رفتار می‌کنند (Anheier and Toepler, 2009: 1566).

بزهکاری اقتصادی حاصل انگیزه‌ای است که از تعامل بین «تمایل فردی» و «وضعیت» منتج می‌شود؛ بنابراین تدابیر پیشگیری از جرم که متوجه اثرگذاری بر یکی از دو شق تمایل فردی به ارتکاب جرم و وقوع وضعیت‌های جرم‌زاست (Korsell, 2005: 7) را در مورد این دسته جرائم می‌توان اعمال کرد و چه بسا برهم زدن تمایل فرد به ارتکاب جرم و به تبع آن وضعیت جرم که از آن به پیشگیری وضعی یاد می‌کنیم، مهم‌ترین راهکار پیشگیری از جرائم اقتصادی باشد. در واقع با توجه به قدرت سازگاری مجرمان اقتصادی با جامعه، اعتماد به نفس بالا و عدم تأثیر پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم، پیشگیری وضعی در اولویت قرار می‌گیرد. این رویکرد ما را به تمرکز بر موقعیت‌های خاصی که در آن فرصت‌های جرم فراهم است، رهنمون می‌شود (Newman and Clarke, 2003: 6).

۳-۱. ضرورت‌سنجی ایجاد سامانه یکپارچه اطلاعات جامع مالی و اقتصادی در راهبرد نظارت فناورانه

فناوری اطلاعات امکانات گسترده‌ای را برای عینیت یافتن آرمان‌های حکومت‌داری خوب فراهم می‌کند و با به کارگیری فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به بهبود فرایندهای ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخگوتر شدن مأموران دولتی، شفاف شدن اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش‌تر شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری عمومی، گسترش

عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات کمک شایانی می‌کند (فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۴۲).

فرصت‌های هر جرم ویژگی‌های خاصی دارند که در برنامه‌ریزی و مدیریت تدابیر و اقدامات پیشگیرانه باید به آنها توجه کرد. کشف و اثبات‌پذیری جرائم اقتصادی، فعالیتی پیچیده و زمان‌بر است و مستلزم دخالت عمده دانش مالی، اقتصادی، تحلیل داده‌ها و داشتن اطلاعات مالی و اقتصادی جامع و دقیق است. هم‌اینک داده‌های پراکنده و جزیره‌ای فراوانی از اطلاعات مالی و اقتصادی شهروندان در سازمان‌ها، نهادهای دولتی و خصوصی وجود دارد:

- بانک‌ها و مؤسسات پولی و اعتباری، اطلاعات فراوانی از وضعیت مالی مشتریان خود دارند.

- سازمان بیمه و بورس اطلاعات گسترده‌ای از وضع مالی در اختیار دارند. اطلاعات در زمینه خودرو و مسکن، حمل و نقل و مسائل فراوان دیگر اطلاعات مربوط به آنها را در دست دارد.

- سازمان ثبت اسناد و املاک، سازمان امور مالیاتی اطلاعات مربوط به دارایی اموال غیرمنقول و نقل‌وانتقال آنها را در اختیار دارد، همچنین شهرداری‌ها، مخابرات و بسیاری از سازمان‌های دیگر در حوزه فعالیت‌های خود این‌گونه اطلاعات را گردآوری می‌کنند.

بدون شک فقدان سامانه جامع اطلاعات مالی و اقتصادی اهرم نظارت و مراقبت بر این حوزه را ناکارآمد و بی‌اثر ساخته است. این وضعیت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز فساد مالی به‌شمار می‌رود. حجم بالای مبادلات بانکی به حدی است که توان نیروی انسانی برای رسیدگی ناکافی و نیازمند روی آوردن به رویکرد سیستمی و نظارت داده‌محور را ضروری و مهم می‌کند. نظارت فناوریانه و بهره‌گیری از سامانه‌های اطلاعاتی یکی از مهم‌ترین راهکارهای حفظ صحت و سلامت عملکرد نظام اقتصادی و نظام‌های پولی و بانکی کشور به‌شمار می‌رود.

از این‌رو برقراری سیستم‌های یکپارچه و جامع اطلاعات مالی و اقتصادی در پرتو فناوری‌های مدرن، شفافیت و اطمینان عمومی را افزایش می‌دهد چه اینکه به کمک این

ابزار، تخلفات و بزه‌های اقتصادی قابل ردیابی و اثبات‌پذیری این جرائم تسهیل می‌شود. امری که در نهایت با کاهش زمینه وقوع جرائم مالی و بهبود سلامت نظام اقتصادی منجر به ارتقای امنیت، آرامش و رفاه عمومی می‌شود. به‌طور کلی یکپارچه‌سازی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات فواید زیر را به همراه دارد (United Nations, 2007):

- سبب اتخاذ تصمیمات بهتری می‌شود زیرا داده‌های نامتجانس و همپوشانی وجود دارد که نیازمند صرف هزینه و زمان برای مقایسه دارد ولی در صورتی که قابلیت همکاری فراهم باشد داده‌هایی که از سازمان‌های مختلف می‌آید می‌تواند پردازش شده و تصمیم بهتری اتخاذ شود.

- سبب ایجاد نظارت بهتر می‌شود. همکاری برنامه‌ها و خدمات دولت بهتر شده و اطلاعات را آسان می‌توان به دست آورد و از پروژه‌های مشابه و تکراری جلوگیری می‌شود. ارائه خدمات به شهروندان از طریق کانال‌های مختلف خواهد بود و نیازهای شهروندان را برآورده می‌کند و اطلاعات، بین شرکت‌ها به صورت نامحسوس حرکت خواهد کرد.

- همکاری بین‌المللی را نیز تقویت می‌کند و دولت‌ها زیرساخت‌های لازم برای حل مشکلات مشترک همانند آلودگی هوا، پولشویی و تجارت‌های غیرقانونی را خواهند داشت.

مسئله دیگری که اهمیت بهره‌گیری از نظارت فناورانه و داده‌محور بر مراودات مالی و اقتصادی را دوچندان می‌کند توجه به این نکته است که «حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرائم اقتصادی، به‌ویژه پولشویی از طریق سیستم‌های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می‌شود، لذا توجه به عملکرد این گونه مؤسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر بر ملا شدن تخلف وجود دارد» (Korsell, 2005: 63).

نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که نفس بر خورداری از اطلاعاتی که به صورت پراکنده وجود دارند به‌خودی‌خود نمی‌تواند منشأ اثر در توصیف،

ترکیب، تبیین یا پیشگیری از وقوع جرم باشد بلکه مهم، تبدیل اطلاعات به دانش است. با یکپارچه‌سازی اطلاعات می‌توان از اطلاعات مجزا، پراکنده و نامنسجم به سمت تولید اطلاعات قابل تحلیل بهره برد. فنون و روش‌های مختلفی برای کار با اطلاعات و تبدیل آن به دانش وجود دارد. داده کاوی یکی از این شیوه‌ها و فنون به حساب می‌آید.

داده کاوی، استخراج اطلاعات پنهان از پایگاه‌های داده بزرگ، یک تکنولوژی جدید قدرتمند با توان زیاد برای کمک به شرکت‌هاست تا روی اطلاعات مهم موجود در انبار داده‌های خود تمرکز کنند. ابزارهای داده کاوی رفتارها و روندهای آینده را پیش‌گویی می‌کنند و به این ترتیب به شرکت‌ها اجازه می‌دهند که بر پایه دانش و پیشگویی‌ها تصمیم‌گیری کنند. امروزه از این تکنیک در بخش‌های مالی اعم از بانکی و غیربانکی و مؤسسات حسابرسی برای کشف رفتارهای مشکوک به جرائم مالی از جمله پولشویی استفاده می‌شود (داوری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹) استفاده از این تکنیک فناوریانه نیز زمانی نتیجه بخش خواهد بود که یکپارچه‌سازی اطلاعات مالی و اقتصادی به‌عنوان پیش‌نیاز انجام نظارت فناوریانه محقق شده باشد.

۲. چالش‌های پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی در مواجهه با حریم خصوصی اطلاعاتی

فیلیپ کتو، مدیر پیشین «بخش جامعه اطلاعاتی» یونسکو، مسئله حمایت از حرمت زندگی خصوصی را، به‌عنوان مهم‌ترین مسائل حقوق بشر در آغاز هزاره سوم معرفی کرد و یادآور شد که «برادران بزرگ»، در حال حاضر هر حرکت انسان‌ها را برای حفظ برتری استراتژیک خود زیر نظر دارند (معمدنژاد، ۱۳۸۳: ۲۳).

برخی مفاهیمی که در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی کاربردی خاص داشته‌اند با پیشرفت فناوری اطلاعات دچار چالش‌هایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مفهوم مالکیت، مفهوم حریم خصوصی، مفهوم توزیع قدرت، مفهوم آزادی‌های اساسی و مفهوم مسئولیت اخلاقی اشاره کرد (شهریاری، ۱۳۸۵: ۱۱).

در حال حاضر پایگاه‌های عظیم داده و سوابق اینترنتی در مورد اطلاعات مالی و

اعتباری اشخاص؛ پرونده‌های پزشکی، خرید و تماس‌های تلفنی وجود دارد به نحوی که مردم نمی‌دانند که چه اطلاعاتی در مورد آنها وجود دارد یا چه کسی به آن دسترسی دارد. توانایی دیگران برای دسترسی به لینک و پایگاه‌های داده، به اشتراک گذاری یا بهره‌برداری از اطلاعات، باعث شده کنترل فردی بر اطلاعات در مورد خود به مراتب سخت‌تر از گذشته شود (Decew, 2006). از این رو توسعه فناوری‌های مدرن سیاستگذاران را بر آن داشته است تا بر چگونگی حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی افراد و دیگر ابعاد حریم خصوصی آنها تمرکز کنند.

مهم‌ترین مشکل حقوقی و اخلاقی که این گونه از تدابیر پیشگیری وضعی با آن مواجه است، بحث به خطر افتادن حریم خصوصی افراد در مواجهه با فناوری‌های مدرن و سامانه‌های جامع آماری و اطلاعات اقتصادی است. در ادامه لازم است با بررسی گستره مفهومی حریم خصوصی و گونه‌های مختلف این حوزه چگونگی رخداد تقابل میان این دو حوزه را مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲. گستره مفهومی حریم خصوصی

مناقشات حقوقی در مورد حریم خصوصی با مقاله مشهور ساموئل وارن^۱ و لوئیس براندیس^۲ از قضات دیوان عالی آمریکا در اواخر قرن نوزدهم در مجله حقوقی *هاروارد* با عنوان «حق مصونیت حریم خصوصی» جهت توجیه و پذیرش این حق مبتنی بر مبانی اخلاقی، آغاز شد. از نظر آنها، حق حریم خصوصی به‌عنوان حق افراد برای تنها بودن تعریف شد (Posner, 2006: 144). در حال حاضر حریم خصوصی توسط حقوق‌دانان، صاحب‌نظران و پژوهندگان، به صورت‌های متفاوتی تعریف شده است. به نحوی که «یافتن یک تعریف جامع و کامل برای حریم خصوصی امری دشوار است زیرا نه تنها فرهنگ جوامع، بلکه موقعیت‌ها و شرایط گوناگون نیز بر تعریف آن مؤثر است (محسنی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۲). جالب‌تر اینکه ممکن است در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، نتوان

1. Samuel Warren

2. Louis Brandeis

از حریم خصوصی تعریفی مشخص یا متنی قانونی در حمایت از آن یافت.

اصطلاح «حریم خصوصی» هم در حوزه حقوق و هم حوزه اخلاق، یک اصطلاح چترگونه‌ای است که طیف گسترده‌ای از منافع مختلف را تحت پوشش قرار می‌دهد. البته لازم به ذکر است که بیشترین ادبیاتی که درباره حریم خصوصی شکل گرفته است بر هسته اصلی این اصطلاح یعنی «داشتن کنترل بر اطلاعات در مورد خود» تمرکز دارد (Decew, 2006: 1).

به‌رغم عدم وفاق بر سر تعریف و گستره مفهومی این اصطلاح، تردیدی وجود ندارد که در همه جوامع حریم خصوصی چه به‌عنوان یک حق یا در قالب یک منفعت وجود دارد و مورد احترام است. از منظر نظام حقوق داخلی کشور ما نیز «اهمیت حریم خصوصی و ضرورت حمایت از آن علاوه بر آنکه عقلانی و فطری است مستندات متعددی از قرآن و سنت در ضرورت حفظ این حق وجود دارد که در قالب قوانین ایران که متخذ از همین مبانی و برخی اسناد بین‌المللی هست مورد حمایت و ضمانت قرار گرفته است (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). که در این نوشتار به‌دلیل پرداختن به موضوع اصلی این مقاله از ذکر مستندات و دلایل مزبور خودداری می‌شود. لازم به ذکر است که هر چند اصطلاح حریم خصوصی در متون اسلامی به کار نرفته، بسیاری از موارد دفاع از حریم خصوصی اشخاص در منابع فقهی مطرح شده است، مانند ممنوعیت تجسس، تفتیش، سوءظن، استراق‌سمع، خیانت در امانت، غیبت، قذف و ورود بدون اجازه به منازل افراد دیگر (انصاری، ۱۳۸۳: ۴۳).

در این نوشتار به‌منظور پرهیز از ورود به تعاریف مختلف مطرح شده صرفاً به ذکر تعریف حریم خصوصی مطابق بند «۱» ماده (۲) طرح حمایت از حریم خصوصی می‌پردازیم، مطابق مقرره مزبور، «حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند یا به اطلاعات مربوط به آن دسترسی نداشته، یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند».

چنانچه گفته شد با مروری بر ادبیات حقوقی مربوط به این حوزه، تعاریف متعدد و متشتتی را می‌توان ملاحظه کرد. وجه مشترک این تعاریف پذیرش برخی طبقه‌بندی‌ها در تبیین حریم خصوصی است که از چهار تا نه حوزه در نوسان است این حوزه‌ها عبارت‌اند

از: حریم منزل و خلوت افراد،^۱ حریم خصوصی اطلاعاتی،^۲ حریم خصوصی ارتباطی،^۳ حریم خصوصی بدنی،^۴ حریم خصوصی متقاضیان کار و کارکنان،^۵ حریم خصوصی در فعالیت‌های رسانه‌ای،^۶ حریم خصوصی ژنتیکی،^۷ حریم خصوصی در علن،^۸ حریم خصوصی روانی^۹ (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۰۷).

چنانچه در مقدمه گفته شد از میان ساحات مختلف حریم خصوصی آنچه بیشترین آسیب‌پذیری را در قبال تکنیک مراقبت و نظارت فناورانه دارد که از رهگذر بانک‌های اطلاعاتی قوی به اجرا گذاشته می‌شود، حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص است. از این رو در ادامه به بررسی و تبیین این نوع از حریم خصوصی می‌پردازیم.

۲-۲. تبیین مفهومی حریم خصوصی اطلاعاتی

مراد از حریم خصوصی اطلاعاتی، مجموعه اطلاعات و داده‌های مربوط به زندگی شخصی شهروندان است که نوع انسان تمایل به حفظ محرمانگی و مصونیت آن از هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز دارد. این داده‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به شش دسته ذیل تقسیم کرد (اصلائی، ۱۳۸۴: ۸۶):

۱. داده‌های شخصی مربوط به سلامت و خصوصیات وراثتی،
۲. داده‌های شخصی تجاری و اقتصادی،
۳. داده‌های شخصی اعتقادی،
۴. داده‌های شخصی جنسی،
۵. داده‌های شخصی مربوط به محکومیت‌های کیفری،
۶. داده‌های شخصی عمومی.

-
1. Privacy Territorial
 2. Privacy Information
 3. Privacy Communication
 4. Privacy Bodily
 5. Privacy Workplace
 6. Media Activities Privacy
 7. Kyznty Privacy
 8. Privacy in Public
 9. Mental Privacy

همچنین بندهای «۴» و «۵» ماده (۲) لایحه حمایت از حریم خصوصی به ترتیب به تعریف اطلاعات شخصی و اطلاعات شخصی حساس پرداخته است:

اطلاعات شخصی: اطلاعات وابسته به شخصیت افراد نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی و شماره کارت‌های اعتباری و شماره حساب‌های بانکی.

تبصره - اطلاعات مربوط به نام و نام خانوادگی، نشانی‌های محل سکونت و محل کار و شماره‌های تلفن از شمول تعریف اطلاعات شخصی خارج است.

اطلاعات شخصی حساس: اطلاعات درباره وضعیت زندگی جنسی، اعتقادات (اعم از فلسفی، مذهبی و سیاسی) عضویت در احزاب یا تشکل‌های صنفی و وضعیت نژادی، قومی و قبیله‌ای افراد است. روشن است، داده‌های فوق از نظر درجه اهمیت به یک میزان نیستند و اشخاص در پنهان کردن و حراست برخی از آنها تلاش و دقت بیشتری می‌کنند. به همین میزان آسیب‌های ناشی از افشای داده‌های مزبور در یک سطح نیست.

اطلاعات شخصی با توجه به اهمیت و قابلیت دسترسی به سه گروه ذیل تقسیم شده‌اند (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۳۹):

الف) محدود شده: نوع خاصی از اطلاعات است که توسط قانون مورد حمایت قرار گرفته و مستلزم بالاترین حد کنترل در هر دو مرحله نگهداری و انتقال است همچون اطلاعات پزشکی، امضای دیجیتال و داده‌های کارت‌های اعتباری.

ب) محرمانه: اطلاعاتی که به لحاظ حساسیت، دسترسی و افشای مستلزم میزان معینی از حمایت است مانند نام، نشانی، شماره تلفن افراد که در زمره اطلاعات محرمانه است اما تحت شرایطی قابل دستیابی هستند مانند ارائه آنها به بانک‌ها و وکلاء.

ج) عمومی: اطلاعاتی که نوعاً در پرونده‌های عمومی در دسترس همگان قرار دارد و ماهیتاً غیرمحرمانه و غیرخصوصی است و به نوعی مربوط به فعالیت‌های فرد در جامعه است. مانند نام دانشگاه محل تحصیل یا شهر محل سکونت.

قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) نیز در مقام حمایت از داده‌های شخصی مصادیق اطلاعات دارای حساسیت و اهمیت را برشمرده است، ماده (۵۸) این قانون مقرر می‌دارد: ذخیره، پردازش یا توزیع داده پیام‌های شخصی مبین ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های

عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و داده پیام‌هایی راجع به وضعیت جسمانی، روانی یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان، غیرقانونی است. چنانچه ملاحظه می‌شود داده‌های مالی و اقتصادی اشخاص نه در قوانین موجود و نه در دکترین حقوقی در زمره اطلاعات حساس یا محرمانه قرار نمی‌گیرد. با این حال از آنجا که این قبیل اطلاعات می‌تواند در مواردی برای اشخاص حائز اهمیت بوده و عرف چنین داده‌هایی را در قلمرو حریم خصوصی اشخاص قلمداد کند لذا لازم است در ادامه به بررسی چگونگی رخداد تقابل میان دو حوزه مورد بحث پردازیم.

۲-۳. تقابل سنجی سازوکارهای نظارت فناورانه از جرائم اقتصادی با حیطه حریم خصوصی اطلاعاتی

امروزه چنان اطلاعات دقیق و جامعی در مورد افراد جمع‌آوری می‌شود که حتی خود آنها قادر به گردآوری با این کیفیت و دقت نیستند، گردآوری و نگهداری اطلاعات اشخاص بدون رضایت و اجازه آنها حتی اگر مورد استفاده قرار نگیرد نیز می‌تواند به‌خودی‌خود ناقض حریم خصوصی افراد باشد؛ زیرا این کار به‌خودی‌خود موجبات تهدید و آزار روحی و نگرانی اشخاص را فراهم می‌کند (همان: ۳۴۲).

تقابل و تنافی میان تدابیر پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی و حریم خصوصی اطلاعاتی افراد زمانی به بهترین شکل قابل تصور است که ما هر یک از این دو مقوله را به‌صورت مطلق و غیرقابل تقیید بدانیم. در واقع اگر پیشگیری از جرم را چنانچه برخی گفته‌اند پیشگیری برای همه کس، همه جا و با هر شرایطی را بپذیریم و از سوی دیگر حریم خصوصی را نیز براساس یک مبنا حقی بدانیم که ذاتاً از اطلاق برخوردار بوده، یعنی در هر کجا و برای هر کس و در هر شرایطی رعایت آن لازم و از نظر اخلاقی و حقوقی دارای ارزش مطلق بدانیم مسلماً نباید در رخداد تزاخم و تقابل میان تدابیر پیشگیری وضعی در جرائم اقتصادی با ساحت حریم خصوصی اطلاعاتی افراد تردید کرد. اما بی‌تردید همه حقوق و آزادی‌ها، مطلق نبوده و برخوردار از آنها بعضاً با محدودیت‌هایی همراه است. به این معنا که نه پیشگیری از جرم امری مطلق و غیر قابل تقیید است و نه حریم خصوصی گستره‌ای نامحدود و ارزش مطلق دارد.

به این ترتیب همان‌طور که پیشگیری از جرم به خودی خود، یک اولویت مطلق نیست، حریم خصوصی نیز گستره‌ای غیرمنعطف و نامحدود ندارد.

با توجه به مطالب پیش گفته درباره حریم خصوصی اطلاعاتی، می‌توان عناصر مقوم این حق را در مصون بودن از تحصیل، پردازش و عدم انتشار اطلاعات معرفی کرد. لذا تعرض و خدشه به حریم خصوصی اطلاعاتی افراد با توجه به عناصر این حق در سه مرحله قابل فرض است. اول؛ تحصیل غیرقانونی و بدون رضایت داده‌ها، دوم؛ پردازش و تحلیل داده‌های مزبور و سوم افشا و انتشار اطلاعاتی که چه‌بسا با رضایت کامل به دست آمده باشد. از این رو در ادامه به ارزیابی و چگونگی رخداد تقابل میان دو حوزه مورد بحث براساس عناصر حریم خصوصی اطلاعاتی می‌پردازیم:

۱-۳-۲. تقابل سنجی از حیث عنصر مصونیت از عدم تحصیل داده‌های اقتصادی آنچه درخصوص ضرورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه نظارتی و کنترلی فناوریانه در قبال جرائم اقتصادی گفته شد مستلزم در اختیار داشتن پایگاه و سامانه جامع و یکپارچه اطلاعات مالی و اقتصادی است که می‌تواند شامل اطلاعات معاملات اشخاص، اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای، اطلاعات دارایی‌ها، اموال و املاک و همچنین نقل و انتقال آنها باشد. نقش رضایت در ورود به حریم خصوصی اشخاص بسیار حائز اهمیت است به نحوی که فقدان رضایت، رکن اصلی در نقض حریم خصوصی اطلاعاتی افراد به حساب می‌آید. مراقبت به‌طورکلی و عمل مثبت، ضبط یا انتشار اطلاعات شخصی که در یک محل خصوصی قرار دارد، بدون رضایت وی، صدمه به زندگی خصوصی اوست (آرلت هیمن، ۱۳۸۲: ۲۲۶). بنابراین در مواردی که رضایت فرد وجود داشته باشد دیگر نمی‌توان مدعی نقض حریم خصوصی شد. البته بدیهی است که رضایت افراد در ارائه اطلاعات خود در این فرض از اقتضای زندگی به‌شمار می‌رود. در این شرایط افراد با حضور در جامعه و انجام مرادوات اقتصادی ناگزیر از ارائه اطلاعات اقتصادی خود به نهادهای مختلف می‌باشند. بنابراین از آنجاکه اطلاعات مالی و اقتصادی اشخاص امروزه به اقتضای ضروریات زندگی اجتماعی در عصر فناوری با رعایت ضوابط قانونی در اختیار نهادها و سازمان‌های

دولتی و حتی خصوصی قرار دارد به نظر نمی‌رسد در خصوص حق مصونیت بر تحصیل داده‌های اقتصادی میان دو حوزه مورد بحث، تقابل و تزاومی قابل تصور باشد چه اینکه رضایت اشخاص در ارائه داده‌های مزبور عملاً به معنای سالبه به انتفاء بودن اولین عنصر حریم خصوصی اطلاعاتی است. بنابراین به نظر می‌رسد مهم‌ترین عناصر قابل اصطکاک حریم خصوصی اطلاعاتی با نظارت فناورانه پیشگیرانه از جرائم اقتصادی، عناصر مصونیت از پردازش و انتشار داده‌هاست که در ادامه نیز به واکاوی این موضوع می‌پردازیم.

۲-۳-۲. تقابل‌سنجی از حیث عنصر مصونیت از عدم پردازش داده‌های اقتصادی

در این نوشتار بر ضرورت، یکپارچه‌سازی و تجمیع اطلاعات اقتصادی و همچنین تکنیک داده‌کاوی به منظور قابل ردیابی کردن فعالیت‌های اقتصادی مشکوک تأکید شد. به نظر می‌رسد این فرایند در قالب پردازش اطلاعات اقتصادی تحقق می‌یابد که می‌تواند ناقص و نافی حق حریم خصوصی اطلاعاتی قلمداد شود. چن و همکارانش بر افزایش سطوح یکپارچگی داده مورد نیاز جهت تغییر شکل صحیح دولت الکترونیک تأکید دارند، اما اخطار می‌دهند که چنین یکپارچگی، هنگامی که داده‌ها دربردارنده اطلاعات قابل شناسایی شخصی است، سبب ایجاد مشکلات مهمی درباره حریم شخصی می‌شود (Chen and et al., 2007: 7).

توجه و دقت نظر در مزایا و منافع سیستم‌های اطلاعات اقتصادی یکپارچه از جمله شناسایی حوزه‌های آسیب‌پذیر اقتصادی، ایجاد شفافیت، پیشگیری و رصد جرائم اقتصادی از طریق ردیابی مالی و حسابرسی که در این مقاله بر آن تأکید شد این امر را نمایان می‌سازد که تقابل مزبور صرفاً تزاخم و تنافی بدوی و ظاهری بوده و می‌توان میان این دو حوزه توازن و تعادل برقرار کرد. چگونگی متوازن‌سازی میان این دو حوزه در بخش پایانی این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۳-۳. تقابل‌سنجی از حیث عنصر مصونیت از عدم انتشار داده‌های اقتصادی

جمع‌آوری اطلاعات مالی و اقتصادی و پردازش این اطلاعات با هدف پیشگیری از وقوع

جرائم اقتصادی به خودی خود هیچ گونه تقابلی با عنصر سوم حق بر حریم خصوصی اطلاعاتی یعنی حق بر عدم افشای اطلاعات مزبور ندارد. در واقع فرایند جمع آوری و پردازش اطلاعات اقتصادی هدف مورد نظر از پیشگیری را تأمین می کند و با توجه به ضرورت اکتفا به قدر متیقن و همچنین ضرورت متوازن سازی قلمرو پیشگیری از جرم نباید هیچ گونه تعرض و خدشه ای بر حق حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص از حیث جواز افشا و انتشار اطلاعات وارد شود. بنابراین اگر چه اشخاص حسب رفع نیازهای ضروری و دریافت خدمات عمومی ناگزیر از ارائه اطلاعات مزبور می باشند اما باین حال این امر به این معنا نیست که اعلام یا افشای اطلاعات مالی و اقتصادی نقض حریم خصوصی محسوب نشود. این وضعیت مشابه مواردی است که افراد برای بهره گیری از خدمات پزشک یا وکیل به وی مراجعه کرده و اطلاعات محرمانه و خاصی را در اختیار آنها قرار می دهند در این حالت یقیناً حق وی بر عدم جواز افشای اطلاعات مزبور به استناد حق حریم خصوصی باقی می ماند.

در واقع اگر چه افشا و انتشار اطلاعات جزئی و نامنسجم، اهمیت چندانی نداشته، ولی افشای اطلاعات تجمیع شده و پردازش شده می تواند بسیاری از زوایای زندگی خصوصی را آشکار کند. برخی از این اطلاعات می تواند گویای نکات منفی باشد که شخص به علنی شدن آن رضایت ندارد؛ مثل بدحسابی با بانک و برخی دیگر اگر چه نقطه منفی به حساب نمی آید ولی شخص نمی خواهد علنی و آشکار شود مثلاً ممکن است بسیاری از افراد ترس از آشکار شدن میزان دارایی و ثروت خود را داشته باشند. کاملاً طبیعی است که هر شخصی بسیار تمایل داشته باشد تا وضعیت مالی او از دیگران حتی نزدیکان او پوشیده بماند (سروش، ۱۳۹۳: ۲۵). نکته مهمی که در اینجا لازم به ذکر است آنکه اگر چه میان دو حوزه مورد بحث در مؤلفه حق مصونیت بر عدم انتشار تقابلی وجود ندارد اما نباید از نظر دور داشت که یکپارچه سازی اطلاعات و نظام مند کردن آنها در صورتی که تمهیدات امنیتی لازم و سازوکارهای قانونی در جهت حفظ و حراست از اطلاعات مزبور فراهم نشود می تواند خطر و تهدید بالقوه ای برای افشای اطلاعات باشد و در نتیجه موجبات نقض حریم خصوصی اشخاص را به وجود آورد.

۳-۲-۴. متوازن‌سازی قلمرو حریم خصوصی اطلاعات مالی و اقتصادی با منافع حاصل از پیشگیری از جرائم اقتصادی

مقصود از متوازن‌سازی قلمرو حریم خصوصی اطلاعاتی است که با توجه به اصالت حفظ حریم خصوصی و ضرورت حفظ قلمرو این حق، لازم است در مواردی که زمینه تزاخم و تداخل این حق با برخی منافع و مصالح ناشی از حقوق دیگر فراهم می‌شود به‌جای نقض و نادیده گرفتن مطلق حق حریم خصوصی با تبیین جهات تقدم و اولویت‌دار ناشی از حقوق مزبور مبادرت به متوازن‌سازی قلمرو حریم خصوصی با جهات مزبور کند در واقع هدف از این امر جمع کردن حداکثری میان منافع حاصل از هر یک از حقوق مزبور است. توضیح بیشتر اینکه «اولین گام در مقام مشاهده تلاقی حریم خصوصی با حقوق و حوزه حریم عمومی را باید امکان جمع میان دو گزاره قرار داد. به این معنا که در برخی و شاید بتوان گفت در بسیاری موارد تلاقی این مقولات نیازی به نقض یکی به نفع دیگری نیست و می‌توان بین آنها جمع کرد به شرط آنکه حالت تعصب و خشکی و سختگیری از هر دو طرف تلاقی منتفی باشد» (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

وقوع جرائم اقتصادی به‌ویژه در مبالغ کلان و عمده بی‌تردید نظم اقتصادی کشور و در برخی موارد امنیت عمومی را دچار خدشه و تزلزل می‌کند. جرائم اقتصادی، خواه به شکل مستقیم و خواه غیرمستقیم با فاسد کردن نظام اقتصادی - سیاسی، منجر به نقض مصادیقی از حقوق بشر از جمله حق برابری در دریافت خدمات خواهد شد. از این رو انجام فعالیت‌های اقتصادی و معاملاتی در فضای اقتصادی کشور و بهره‌گیری از ابزار و فناوری‌های عمومی و دولتی همچون بانک‌ها و سایر نهادها و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی، انجام فعالیت اقتصادی و معاملاتی را به یک امر عمومی و غیرشخصی مبدل می‌سازد که هرگونه تخطی از ضوابط و مقررات حاکم بر قلمرو اقتصادی به شکل کاملاً ملموسی موجبات اضرار به دیگران را فراهم می‌آورد.

بررسی پیامدهای فساد مالی نشان می‌دهد که این جرم موجب کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی، تضعیف امنیت اقتصادی، تخریب کارکردهای اقتصادی کشور، از حیث افزایش هزینه عمومی، تبعیض در تخصیص منابع و در نهایت، بالا رفتن رانت و

ثروت بادآورده از یک سو و فقر از سوی دیگر است (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷: ۱۱). بنابراین کنترل و پردازش اطلاعات حاصل از عملیات و فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی صرفاً از حیث احراز وقوع تخطی و جرم، اساساً و به‌طور تخصصی از قلمرو حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص بیرون بوده و از این حیث نمی‌توان میان اجرای تدابیر پیشگیری وضعی با قلمرو حریم خصوصی اطلاعاتی تقابل و تنافی قائل شد.

اما نکته حائز اهمیت و مهم این است که چنانچه گفته شد قلمرو حریم خصوصی اطلاعاتی صرفاً از حیث هدف پیش گفته یعنی نظارت و مراقبت به‌منظور بالا بردن هزینه ارتکاب جرم اقتصادی مضیق شده و این حیطة وارد حوزه عمومی می‌شود. با وجود این باید توجه داشت که تشکیل و تأسیس بانک جامع اطلاعات اقتصادی به‌دلیل تجمیع و گردآوری اطلاعات اشخاص یقیناً حوزه حریم خصوصی اطلاعاتی اشخاص را از حیث انتشار و افشای اطلاعات مزبور آسیب‌پذیر و خدشه‌پذیر می‌سازد و در صورت عدم رعایت اقتضائات و الزامات ناظر بر امر حفاظت و امنیت بر این داده‌ها، موجبات نقض و تهدید جدی این جلوه از حریم خصوصی را فراهم می‌آورد. از این رو لازم است به‌منظور حمایت و حفاظت از حق حریم خصوصی اشخاص مبنی بر حق بر مصونیت از عدم افشا و انتشار و همچنین سایر سوءاستفاده‌هایی که در این شیوه قابل پیش‌بینی است تدابیر لازم که بخشی از آن، تدابیر تقنینی و برخی نیز اجرایی است مورد توجه قرار گیرد. برخی از این تدابیر تحت عنوان اصول حفاظت از حریم خصوصی در برخی کشورها مدنظر قرار گرفته است.

یکی از سازمان‌هایی که در زمینه تبیین اصول حریم خصوصی در جهان فعال است، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ است. راهبردهای این سازمان در مورد حفاظت از حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌ها از هشت اصل تشکیل شده است (سادوسکای و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷۶). برخی از این اصول که در روند متوازن‌سازی حوزه پیشگیری از جرائم اقتصادی و ساحت حریم خصوصی اطلاعات مالی و اقتصادی تأثیر و نقش چشمگیری دارند عبارت‌اند از:

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

اصل حفاظت‌های امنیتی: داده‌های شخصی باید با حفاظت‌های امنیتی مناسب در مقابل خطراتی از قبیل ناقص شدن، دسترسی، تخریب، تغییر، افشاء و استفاده غیرمجاز مراقبت شوند.

اصل محدودیت جمع‌آوری: برای جمع‌آوری داده‌های شخصی باید محدودیت وجود داشته باشد، هر داده شخصی باید با استفاده از ابزارهای قانونی و منصفانه، در شرایط درست و با دانش و رضایت فردی که اطلاعات به او مربوط می‌شود به دست بیاید.

اصل تعریف هدف: هدف از جمع‌آوری اطلاعات شخص، باید در همان لحظه جمع‌آوری داده‌ها و نه دیرتر از آن مشخص باشد. استفاده‌های بعدی از اطلاعات جمع‌آوری شده باید به همان اهداف محدود شود و اگر هدف‌های بعدی با اهداف اولیه سازگاری ندارد باید این تغییر اهداف را صراحتاً اعلام کرد و نیز اعلام رضایت فرد برای استفاده از اطلاعات وی در اهداف جدید ضروری است (همان).

توجه به این اصول و بومی‌سازی آنها در قالب پیش‌بینی قوانین مرتبط، نگرانی‌های ناشی از نقض و تهدید حریم خصوصی اطلاعاتی را در جریان اجرای نظارت فناورانه با هدف پیشگیری از جرائم اقتصادی برطرف می‌سازد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شیوع و استمرار جرائم اقتصادی، امنیت روانی شهروندان را متزلزل و به تبع آن نظم و امنیت عمومی را به مخاطره جدی می‌اندازد. بهره‌گیری از شیوه نظارت فناورانه در پرتو راه‌اندازی سامانه یکپارچه اطلاعات مالی و اقتصادی به‌عنوان یکی از تدابیر پیشگیری وضعی می‌تواند مدیریت ریسک جرائم اقتصادی را با بالا بردن هزینه ارتکاب جرم از طریق افزایش احتمال شناسایی و دستگیری مرتکب، ارتقای قابل توجهی دهد. در این تحقیق سعی شد نقش و جایگاه این شیوه و تقابل احتمالی آن با حریم خصوصی اطلاعاتی مورد بررسی قرار گیرد، یافته‌ها و نتایج این تحقیق را می‌توان در موارد زیر احصاء کرد:

۱. به‌کارگیری شیوه نظارت فناورانه، حوزه‌های آسیب‌پذیر اقتصادی را قابل شناسایی، شفافیت مالی را محقق و از طریق ردیابی مالی و حسابرسی، پیشگیری و رصد جرائم اقتصادی را به مراتب امکان‌پذیرتر می‌سازد.

۲. تقابل سنجی حوزه حریم خصوصی اطلاعاتی در مواجهه با اجرای شیوه نظارت فناوریانه در سه فرض قابل ترسیم است، این فروض عبارت‌اند از؛ تقابل در حوزه جمع‌آوری اطلاعات مالی و اقتصادی (فرض اول)، تقابل در مرحله پردازش این اطلاعات (فرض دوم) و تقابل در خصوص افشای اطلاعات مزبور (فرض سوم) بررسی شد.

۳. با عنایت به وجود عنصر رضایت در تحصیل اطلاعات اقتصادی، تقابل و تراحم در فرض اول منتفی می‌باشد چه اینکه رکن مهم حریم خصوصی اطلاعاتی عدم رضایت دارنده اطلاعات است.

۴. پردازش اطلاعات به‌عنوان فرض دوم تقابل احتمالی، اگرچه مهم‌ترین چالش به حساب می‌آید اما این تقابل نیز با در نظر گرفتن منافع و مزایای حاصل از اجرای شیوه نظارت فناوریانه مرتفع می‌شود. به این ترتیب، فرض پردازش اطلاعات کاملاً از حوزه شخصی شهروندان بیرون و اساساً ضرورت و مصلحت برقرار ساختن نظم و انضباط مالی و اقتصادی در کشور، این موضوع را به امر عمومی مبدل می‌کند. لذا اساساً امکان تقابل در این فرض با ملاحظه فوق منتفی می‌شود.

۵. فرض سوم تقابل درباره افشای اطلاعات اقتصادی نیز غیرقابل پذیرش است چراکه اساساً شیوه نظارت فناوریانه در صدد افشای اطلاعات نیست.

۶. استفاده از این شیوه مستلزم بهره‌گیری تمهیدات قانونی مناسب جهت تبیین اصول و قواعد پردازش اطلاعات از یک سو و از سوی دیگر پیش‌بینی بسترهای فنی قوی جهت ایمن‌سازی و حراست از سامانه‌های اطلاعات مالی و اقتصادی است.

منابع و مآخذ

۱. آرلت هیمن، دوآ (۱۳۸۲). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، ترجمه یوسف مولایی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۴). *حقوق فناوری اطلاعات حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۳. افضل‌لی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست و هشتم، ش ۴۵.
۴. انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۶.
۵. تانزی، ویتو (۱۳۷۸). «مسئله فساد؛ فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۴۹ و ۱۵۰.
۶. حسینی، سیدحسین (۱۳۹۰). «درآمدی بر مدیریت پیشگیری از جرائم اقتصادی»، *مجموعه مقالات همایش پیشگیری از وقوع جرم*، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان.
۷. خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۰). *پیشگیری فنی از جرم*، تهران، چاپ اول، نشر میزان.
۸. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۷). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*، چاپ اول، تهران، سمت.
۹. داوری، محمدرضا، فرهاد اکبری، مجید داوری و مهرگان مهدوی (۱۳۸۷). «بررسی پولشویی الکترونیکی در نظام بانکی به‌عنوان یکی از جرائم مالی و ارائه چارچوب‌های قانونی مبارزه با آن»، *دومین کنفرانس جهانی بانکداری الکترونیکی*، ۱۹ و ۲۰ مردادماه.
۱۰. رزنام، دنیس، آرتور لوریسیو و روبرت داویس (۱۳۷۹). «پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه رضایرویزی، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، ش ۳۲.
۱۱. رهبر، فرهاد و فضل‌الله میرزاوند (۱۳۸۷). *پولشویی و روش‌های مقابله با آن*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. سادوسکای، جورج، جیمز اکس دمپزی، آلن گرین برگ، جی مک باربارا و آلن شوارتز (۱۳۸۴). *راهنمای امنیت فناوری اطلاعات*، ترجمه مهدی میردامادی، زهرا شجاعی و محمدجواد صمدی، چاپ اول، تهران، نشر دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
۱۳. سروش، محمد (۱۳۹۳). *احکام حریم خصوصی*، تهران، انتشارات سمت.

۱۴. سیو، رنه (۱۳۸۸). «توجهات فلسفی پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه مجید قورچی بیگی، فصلنامه پیشگیری از جرم، سال چهارم، ش ۱۳.
۱۵. شمس ناتری، محمد ابراهیم و توران توسلی‌زاده (۱۳۹۰). «پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۴.
۱۶. شهریاری، حمید (۱۳۸۵/۹/۲۲). «اخلاق فناوری اطلاعات چیست؟»، روزنامه جام جم، سال هفتم، ش ۱۸۸۸.
۱۷. غلامی، علی (۱۳۹۰). «از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی (مطالعه در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه)»، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. فرهادی نژاد، محسن (۱۳۸۵). «دولت الکترونیک و حکومت‌داری خوب»، ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، ش ۱۶۹.
۱۹. کوسن، موریس (۱۳۸۴). «نظارت ویدیویی؛ دلایل موفقیت و شکست»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۵ و ۱۶.
۲۰. گسن، رمون (۱۳۷۶). «روابط پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۹ و ۲۰.
۲۱. لوک بچر، ژان و نیکلا کلوز (۱۳۸۶). «جرم اقتصادی و کنترل آن»، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوق دادگستری، ش ۶۱.
۲۲. ماری، فیلیپ (۱۳۸۳). «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۸ و ۴۹.
۲۳. محسنی، فرید (۱۳۸۹). «حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)»، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. محسنی، فرید و فریدون قاسم‌زاده (۱۳۸۵). «حریم شخصی در فضای مجازی با تکیه بر حقوق ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی شریف، ش ۳۴.
۲۵. محمدنبی، حسین (۱۳۸۰). «فساد اداری و مبارزه با آن از نظر سازمان ملل متحد، تهران، وکالت».
۲۶. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۳). «حق دسترسی همگانی به اطلاعات در قرن بیست‌ویکم: گزارشی از سومین کنفرانس بین‌المللی یونسکو درباره اخلاق اطلاعات و رویارویی با چالش‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی فضای سبیرنتیک در جامعه اطلاعاتی»، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ش ۴۴.

۲۷. مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران، سمت.
28. Anheier, Helmut K. and Stefan Toepler (2009). "International Encyclopedia of Civil Society", Vol. 1, New York - Heidelberg: Springer.
29. Chen, Z. and et al. (2007). "Semantic Integration of Government Data for Water Quality Management", *Government Information Quarterly*, 24.
30. Clark, M. (1983). *Corruption, Causes, Consequences and Control*, Martin, SPress.
31. Decew J. C. (2006). "Privacy. Stanford Encyclopedia of Philosophy", <http://plato.stanford.edu/entries/privacy/>. Accessed 18 March 2011.
32. Felson, M. and R. Clarke (1997). Ethics of Situational Crime Prevention, in Rational Choice and Situational Crime Prevention: Theoretical Foundations, Clarke, R.V. and et al. (editors), Farnborough, Hants, Dartmouth.
33. Galtung, Frederik (2001). "Transparency International's Network to her Global Corruption", In *Where Corruption Lives*, ed. Gerald E. Caiden, O. P. Dwivedi, and Joseph Jabbra, Bloomfield, CT: Kumarian Press.
34. Korsell, Lars Emanuelsson (2005). *Methods to Prevent Economic Crime*, Stockholm, Sweden: The Swedish National Council for Crime Prevention, Information and Publication, Edita Norstedts Tryckeri AB.
35. Newman, Graeme R. and Ronald V. Clarke (2003). "Superhighway Robbery, Preventing e - Commerce Crime", Willan Publishing, Cullompton, Devon, UK.
36. Posner, Richard A. (2006). *Not a Suicide Pact: the Constitution in a Time of National Emergency*, Oxford University Press, USA.
37. Shaukat, Hassan (2004). "Corruption and the Development Challenge", *Journal of Development, Policy and Practice*, Vol. 1, No. 1.
38. The Swedish National Council for Crime Prevention (2004). "Final Account", Brotts Forebyggande Radet.
39. United Nations (2007). E-Government Interoperability: Guide. United Nation.